

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ أَمَا بَعْدُ:

این کتاب که دلایل یگانگی خداوند نام دارد، یکتا پرستی را بطور سؤال و جواب نوشته شده تا خوانندگان عزیز بتوانند بهتر و آسانتر آنرا درک کنند.

و از کتاب (الدرر السنیة فی الأجوبة النجدیة) گرفته شده است.

امید است توانسته باشیم با این ترجمه خدمتی به اسلام مبین کرده باشیم.

و مسلمانان فارسی زبان بتوانند عقیدتشان را بهتر و واضح تر درک کنند.

ابو عبدالله

اسحاق بن عبدالله بن محمد دبیری

ریاض محرم الحرام ۱۴۲۱ هـ . ق

س ۱ - اصول سه گانه که دانستن آن بر انسان واجب است چیست؟

ج - شناخت بنده، خدا، دین و پیامبر خود محمد ﷺ را.

س ۲ - معبود و پروردگار تو کیست؟

ج - پروردگار من کسی است که من و تمامی مخلوقات را با نعمت های خود آفریده است. اوست پروردگار من، و به جز او هیچ معبودی برای من نیست.

خداوند می فرماید: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ [فاتحه ۲]. [ستایش خدایی راست که پروردگار جهانیان است].

و هر چیز غیر از خداوند، جهان است و من یکی از آن جهانیان هستم.

س ۳ - رب یعنی چه؟

ج - رب یعنی مالک، متصرف در همه چیز. و اوست که سزاوار عبادت و پرستش است.

س ۴ - چگونه خدای خود را می شناسی؟

ج - با نشانه ها و دلایل و مخلوقاتش او را می‌شناسم، شب و روز و آفتاب و ماه و ستارگان همه از نشانه های اوست، و آسمان و زمین و آن چه بین آنها و در آنهاست، از آفریده های خداست؛ چنان که می‌فرماید: وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ [فصلت ۳۷].

[از جمله آیات و نشانه های الهی، خلقت شب و روز و خورشید و ماه است، برای خورشید و هم برای ماه سجده نکنید، و برای خدایی سجده برید که آنها را آفریده است، اگر تنها او را می‌پرستید].

و می‌فرماید: إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ [الأعراف ۵۴].

[همانا پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر عرش مستوی شد، پشت سر هم و بدون انقطاع شب را روز، و روز را شب می‌کند. آفتاب و ماه و ستارگان از فرمان و دستورات او پیروی می‌کنند همه مخلوقات و تصرف در آن، فقط از آن اوست، الله پروردگار عالمیان چه قدر بلندمرتبه و والا مقام است].

س ۵ - دین تو چیست؟

ج - دین من اسلام است و اسلام یعنی: تسلیم خدای یکتا شدن، به طاعات و اوامر و نواهی او گردن نهادن، و از او فرمانبرداری کردن.

خداوند می‌فرماید: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ. [آل عمران ۱۹].

[محققاً دین پذیرفته نزد خدا، دین اسلام است].

و خداوند متعال می‌فرماید: وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. [آل عمران ۸۵].

[کسی که غیر اسلام دینی دیگر بخواهد، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است].

و می‌فرماید: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا. [مائدة ۳].

[امروز دینتان را برای شما کامل کردم، و نعمت خویش بر شما تمام نمودم، و اسلام را (به عنوان) دین برای شما پسندیدم].

س ۶ - دین اسلام بر چه چیزی بنا نهاده شده است؟

ج - اسلام بر پنج رکن بنا شده است که عبارتند از:

۱ - گواهی دادن به این که معبود و خدایی به حق، جز خدای یکتا نیست، و گواهی بر این که محمد □ بنده و فرستاده خداست.

۲ - نماز را با ارکان و واجبات و سنت های آن بر پا کردن.

۳ - زکات مال را دادن.

۴ - ماه مبارک رمضان را روزه گرفتن.

۵ - فریضه حج را ادا نمودن، در صورتی که استطاعت و قدرت آن را داشته باشیم.

س ۷ - ایمان چیست؟

ج - گرویدن و اعتقاد داشتن به خدا، و فرشتگان خدا، و کتاب های خدا، و پیامبران خدا، و روز آخرت، و به قضا و قدر خیر و شر آن.

خداوند می فرماید: **إِمْنِ الرَّسُولِ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ**. [بقره ۲۸۵].

[پیامبر برآن چه خدا بر او نازل فرمود، ایمان آورد، و مؤمنان نیز همه به خدای یکتا و فرشتگان خدا و کتاب های خدا و پیامبران خدا ایمان آوردند].

س ۸ - احسان و نیکی چیست؟

ج - خدا را چنان پرستش کنی که گویی او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی، یقین بدان که او تو را می بیند. خداوند می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ**. [نحل ۱۲۸].

[بی گمان خداوند با پرهیزگاران و نیکوکاران است].

س ۹ - نبی و پیامبر تو کیست؟

ج - پیامبر من محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم است، و از قبیله قریش، و قبیله قریش از کنانه و کنانه از عرب هاست، و اعراب از ذریات و نوادگان حضرت اسماعیل می باشند، و اسماعیل از فرزندان ابراهیم، و ابراهیم از نوادگان پیامبر نوح علیهم الصلاه والسلام است.

س ۱۰ - [محمد] با چه سوره ای مژده داده شده، و با چه سوره ای فرستاده شده است؟

ج - با سوره **إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ** مژده داده شده، و با سوره **يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ** فرستاده شده است.

س ۱۱ - معجزه رسول الله چیست؟

ج - قرآن مجید بزرگ ترین معجزه ای است که تمام آفریده های خدا با وجود زبان فصیح و روان و زیرکی و استادی و دشمنی شدید بر قرآن و پیروانش، نتوانستند یک سوره مانند سوره های آن بیاورند.

خداوند می فرماید: **وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**. [بقره ۲۳].

[و اگر از آنچه که بر بنده خود نازل کرده ایم، در شک اید، اگر راستگویید یک سوره مانند آن بیاورید و گواهانتان را - در برابر خدا -

(به یاری) بخوانید].

و می‌فرماید: قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا. [اسراء ۸۸].

[بگو: اگر انس و جن گرد آیند بر آنکه مانند این قرآن آورند، هرگز نمی‌توانند مانندش آورند، و اگر چه برخی از آنان یاور برخی (دیگر) باشند].

س ۱۲- دلیل بر این که او رسول و فرستاده خداست، چیست؟

ج - خداوند می‌فرماید: وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ. [آل عمران ۱۴۴].

[و محمد جز رسول (خدا) نیست (که) به راستی پیش از او رسولانی بوده‌اند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود، از آیین خود برمی‌گردید؟ و هر کس از آیین خود برگردد، (در حقیقت) هیچ زبانی به خداوند نمی‌رساند و خداوند به شکرگزاران پاداش خواهد داد].

و خداوند متعال می‌فرماید: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا. [فتح ۲۹].

[محمد رسول خداست، و کسانی که با اویند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجده می‌بینی].
س ۱۳- دلیل نبوت و پیامبری محمد □ چیست؟

ج - خداوند جل جلاله می‌فرماید: مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ. [احزاب ۴۰].

[محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، بلکه رسول خدا و خاتم انبیاست].

این آیه ها دلالت می‌کند که او پیامبر و خاتم انبیاست.

س ۱۴- چرا خداوند محمد □ را فرستاد؟

ج - برای [دعوت به] پرستش خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد، و این که برای او شریک قرار نداد، و برای این که مردم را از عبادت و پرستش آفریدگان، از فرشتگان و انبیا و صالحان و سنگ و درخت نهی کند. خداوند می‌فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ. [انبیاء ۲۵].

[و هیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می‌کردیم که معبود (حقی) جز من نیست، پس مرا بپرستید].

و می‌فرماید: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا. [نحل ۳۶].

[و بر هر امت پیامبری فرستادیم تا خدا را عبادت کنند و از طاغوت بپرهیزند].

و خداوند جل جلاله می‌فرماید: وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبُدُونَ. [زخرف ۴۵].

[ای رسول!] از پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم بپرس که، آیا ما جز خدای یکتای مهربان، خدایان دیگری را هم معبود مردم قرار

دادیم؟].

و خداوند سبحانه می‌فرماید: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. [ذاریات ۵۶].

[ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای این که مرا به یکتایی پرستش کنند].

از آن چه گذشت متوجه می‌شویم که خداوند جهانیان را نیافریده مگر برای عبادت کردن و یگانه دانستن او. و پیامبران را فرستاده تا بندگان را به عبادت خدای یگانه امر کنند.

س ۱۵- فرق بین توحید ربوبیت و توحید الوهیت چیست؟

ج - توحید ربوبیت: توحید خداوند در افعال و اعمال اوست، مانند آفرینش، رزق و روزی دادن، می‌راندن، زنده کردن، باران فرستادن، رویاندن گیاهان، و تدبیر کار همه خلایق را کردن.

توحید الوهیت: توحید خداوند که افعال و اعمال بندگان را بیان می‌کند؛ مانند: دعا، ترس و امید، آرزو و توکل، توبه و پشیمانی، میل و بیم، نذر و قربانی، طلب کمک، و غیر از این عبادت‌ها.

س ۱۶- انواع عبادتها - که فقط و فقط مخصوص خداست - کدامند؟

ج - دعا و یاری خواستن، فریادرسی، قربانی و نذر، ترس و وحشت و آن چه بنده از کمک و یاری بر آن عاجز است، امید و آرزو و توکل و بازگشت و توبه، دوست داشتن، ترس و بیم، یگانه دانستن، رکوع و سجود، خشوع و فروتنی، ذلت و خواری. و تعظیم که ویژگی خاص خداست.

س ۱۷- بزرگترین چیزی که خدا به آن امر فرموده، و بزرگ ترین چیزی که از آن نهی کرده چیست؟

ج - بزرگ ترین فرمان های خدا یکتاپرستی است، و بزرگ ترین نواهی او شرک است ؛ یعنی برای خداوند شریک قایل شدن، یا عبادت های خود را برای کسی دیگر انجام دادن.

بنابراین هرکس چیزی از عبادت هایش را برای غیر خدا انجام دهد، آن فرد یا چیز را معبود خود دانسته و برای خداوند شریک قرار داده است.

س ۱۸- مسایلی که آموختن و عمل کردن به آن لازم است، کدامند؟

ج - الف - خداوند ما را آفریده و به ما روزی داده، و ما را نادیده نگرفته است، بلکه به سوی ما پیامبری فرستاده است، پس هرکس از او اطاعت کند به بهشت وارد می‌شود، و هرکس از او نافرمانی کند به دوزخ خواهد رفت.

ب - خداوند به هیچ وجه راضی نمی‌شود تا با او در عبادت شریک قائل شویم، نه فرشته ای مقرب و نه پیامبری فرستاده شده.

ج - هرکس از رسول اکرم ﷺ اطاعت کند و خداوند را یگانه بداند، به هیچ وجه جایز نیست از کسانی که دشمن خدا و رسولند پشتیبانی کند حتی اگر نزدیک ترین فرد به او باشد.

س ۱۹- الله یعنی چه؟

ج - یعنی صاحب صفت و مقام خداوندی و پرستش.

س ۲۰- چرا خداوند تو را آفریده است؟

ج - مرا برای عبادت و پرستش خود آفرید.

س ۲۱- عبادت او چگونه است؟

ج - یگانه دانستن و اطاعت از او، عبادت اوست.

س ۲۲- دلیل بر عبادت او چیست؟

ج - خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ [ذاریات ۵۶].

[ما جن و انس را نیافریدیم مگر این که مرا به یگانگی پرستند].

س ۲۳- اولین چیزی که خداوند بر ما فرض نمود چیست؟

ج - کفر به طاغوت (هر معبودی جز خدا) و ایمان به خدا؛ چنان که می‌فرماید: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ

بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. [بقره ۲۵۶].

[در دین اجباری (روا) نیست، به راستی راهیابی از گمراهی آشکار شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان

آورد، (بداند) که به دستاویزی (بس) محکم چنگ زده است (که) آن گسستنی ندارد، و خداوند شنوای داناست].

س ۲۴- عروۀ الوثقی یعنی چه؟

ج - عروۀ الوثقی، (لا إله إلا الله) است. (لا إله) نفی و (إلا الله) اثبات است.

س ۲۵- نفی و اثبات [در این جا] چیست؟

ج - نفی، عدم عبادت و پرستش همه خدایان، و اثبات، عبادت خدای یگانه ای که هیچ شریکی ندارد.

س ۲۶- دلیل بر این قول چیست؟

ج - خداوند می‌فرماید: وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ. [زخرف ۲۶].

[ای رسول ما! به یاد آور هنگامی که ابراهیم با پدر و قوم خویش گفت: ای بت پرستان! من از خدایان شما سخت بیزارم و از آن

برائت می‌جویم].

این دلیل نفی است.

وَالَّذِي فَطَرَنِي. [زخرف ۲۷].

[مگر آن خدایی را که مرا آفرید].

دلیل بر اثبات است.

س ۲۷- طاغوتها چه کسانی و بر چند نوع هستند؟

ج - طاغوت ها بسیارند و انواع آن پنج است:

۱ - ابلیس - که لعنت خدا بر او باد - .

۲ - کسی که به غیر از خدا عبادت و پرستش شود و او به آن عبادت راضی باشد.

۳ - کسیکه مردم را به عبادت خود دعوت کند.

۴ - کسی که ادعای علم غیب کند.

۵ - کسی که به غیر اسلام حکم و قضاوت کند.

س ۲۸- بهترین اعمال پس از شهادتین کدام است؟

ج - بهترین اعمال و کردار پس از شهادتین نماز پنج گانه است که شرایط و احکام و واجباتی دارد، و بزرگ ترین شرط های آن:

اسلام، عقل، تمیز و تشخیص دادن، با طهارت بودن، پاک بودن از نجاست و پلیدی، پوشاندن عورت، رو به قبله کردن، داخل شدن وقت نماز، نیت و قصد نمودن.

و ارکان نماز چهارده چیز است:

۱ - ایستادن به نماز در حال قدرت و استطاعت.

۲ - تکبیره الإحرام در شروع نماز.

۳ - خواندن سوره حمد(الفاتحه).

۴ - رفتن به رکوع.

۵ - اعتدال و طمأنینه بعد از رکوع؛ یعنی پس از بلند شدن از رکوع آرام گرفتن.

۶ - سجده کردن بر اعضای هفت گانه، سجود بر پیشانی با بینی، و دو کف دست، و دو زانو، و اطراف انگشتان دو پا در حالی که بر زمین چسبانیده است.

۷ - اعتدال و طمأنینه؛ یعنی آرام گرفتن در هنگام سجده.

۸ - نشستن بین دو سجده.

۹ - طمأنینه و آرام گرفتن در همه آن چه یاد شد.

۱۰ - ترتیب در ارکان نماز.

۱۱ - تحیات و تشهد آخر.

۱۲ - نشستن به آن تحیات.

۱۳ - درود فرستادن بر رسول الله ﷺ .

۱۴ - سلام دادن از دو سو(چپ و راست).

و واجبات نماز هشت چیز است:

۱ - گفتن تمامی تکبیرات غیر از تکبیره الإحرام.

۲ - گفتن سبحان ربی العظیم در رکوع.

۳ - گفتن سمع الله لمن حمده برای امام و کسی که تنهایی نماز می‌خواند.

۴ - گفتن ربنا ولك الحمد برای امام و همه نمازگزاران(چه جماعت و چه به تنهایی).

۵ - گفتن سبحان ربی الأعلی در سجود.

۶ - گفتن رب اغفرلی در بین دو سجده.

۷ - تحیات اول.

۸ - نشستن برای آن.

و بقیه موارد، سنت های گرفته شده از گفتار یا کردار پیامبر اسلام است.

س ۲۹- آیا خداوند مخلوقات را پس از مردن برمی‌انگیزد و آن ها را بر نیکی و بدی مجازات می‌نماید، کسی که از او اطاعت کرده

به بهشت، و کفر ورزندگان و شرک آورندگان را به دوزخ وارد کند؟

ج - بلی. و دلیل آن این آیه است:

رَعِمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ [تغابن ۷].

[کافران گمان کردند که هرگز پس از مرگ برانگیخته نمی‌شوند. ای رسول ما! به آنها بگو به خدای من سوگند که برانگیخته

می‌شوید و سپس به نتیجه اعمال و کردار خود آگاه می‌گردید و این بر خدا بسیار آسان است].

و همچنین: مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى [طه ۵۵].

[ما شما را از خاک آفریدیم و [دو باره] به خاک باز می‌گردانیم، و بار دیگر روز قیامت شما را از خاک بیرون می‌آوریم].

و در قرآن دلایل بسیاری است که نمی‌توان آن را شمرد.

س ۳۰ - حکم ذبح و قربانی برای غیر از خدا در آیه ذیل چیست؟

این شخص کافر و مرتد از دین است و [حیوان] قربانی شده او حرام است؛ زیرا دو چیز مانع آن می‌شود:

اول این که: قربانی مرتد است، و قربانی مرتد به اجماع علما حرام است.

دوم این که: برای غیر خدا ذبح و قربانی شده، و چنین قربانی را خداوند حرام فرموده است؛ چنان که می‌فرماید: قُلْ لَّا أَدْرِي فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ. [انعام ۱۲۵].

[بگو: در آنچه که به من وحی شده است (چیز) حرامی را برخوردارند ای که آن را بخورد، نمی‌یابم. مگر آنکه مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک باشد. بی‌گمان آن حرام است. و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا (از روی فسق) ذبح شده باشد].

س ۳۱ - انواع شرک کدامند؟

ج: انواع شرک عبارتند از:

۱ - طلب کردن و خواستن نیازها و حاجت‌ها از مُردگان.

۲ - کمک خواستن از مُردگان. و این اصل شرک جهانیان است؛ زیرا عمل و کردار مُرده قطع شده و به پایان رسیده است و نمی‌تواند سود و زبانی به خود یا دیگری برساند. پس چگونه که کسی از او یاری جُسته تا برای او نزد خدا شفاعت بطلبد، [هیچ انسان عاقلی این کار را نمی‌کند] مگر کسی که از ناتوانی همه مُردگان در انجام هر عملی آگاه نباشد و از خدا و قدرت خدا در انجام هرکاری غافل شود؛ زیرا هیچ کس نزد خداوند شفاعت نمی‌کند مگر به اجازه او. و خداوند سؤال و روی آوردن به غیر او را دلیلی به عنوان اجازه شفاعت به او ندانسته است، بلکه سبب اجازه او به شخص، کمال توحید و یکتاپرستی آن فرد است و آن فرد دلیل و برهانی برای بازداشتن و منع اجازه شرک به خداست.

و شرک به دو نوع تقسیم می‌شود: شرکی که انسان را از اسلام و ملت اسلام خارج می‌کند، که آن شرک اکبر است، و شرکی که انسان را از اسلام خارج نمی‌کند، و آن شرک اصغر است؛ مانند ربا.

س ۳۲ - نفاق بر چند نوع تقسیم می‌شود و معنای آن چیست؟

ج - نفاق بر دو نوع تقسیم می‌شود: نفاق اعتقادی و نفاق عملی.

نفاق اعتقادی در بسیاری از جاهای قرآن ذکر شده است - که موجب جاودانگی در پایین‌ترین نقطه دوزخ خواهد بود - . و نفاق عملی در حدیث ذیل ذکر شده است: ((أربع من كنَّ فيه كان منافقاً خالصاً، ومن كانت فيه خصله منهن، كانت فيه خصله من النفاق حتى يدعها: إذا حدّث كذب وإذا عاهد غدر وإذا خاصم فجر وإذا أوّمن خان)). [متفق علیه].

چهار خصلت اگر در انسان باشد، منافق خالص و واقعی است، و اگر یکی از این خصلت‌ها در او باشد، یکی از نشانه‌های نفاق در اوست:

هنگام سخن گفتن دروغ بگوید، و اگر وعده داد به آن عمل نکند، اگر امانتی به او سپرده شد خیانت کند، در هنگام خصومت و نزاع، بد و بیراه بگوید، و اگر عهد و پیمانی با کسی ببندد، عهد خود را بشکند و خیانت کند.

بعضی از علما گویند این نفاق ممکن است به واسطه محکم بودن اسلام شخص، از بین برود ولی اگر این نفاق در آن شخص محکم و ثابت گردد، ممکن است به طور کلی از اسلام خارج شود، حتی اگر نماز بخواند و روزه بگیرد و ادعای مسلمانی کند؛ زیرا ایمان، خصلت های نفاق را نهی می‌کند. پس اگر نفاق در بنده مستحکم شود و چیزی نباشد که او را از آن خوی ها و خصلت ها باز دارد، آن شخص منافق خالص خواهد بود.

س ۳۳ - مرتبه دوم اسلام چیست؟

ج - ایمان مرتبه دوم اسلام است.

س ۳۴ - ایمان به چند شاخه تقسیم می‌شود؟

ج - شعب و شاخه های ایمان هفتاد و اندی است که بلندترین آن ها کلمه لا إله إلا الله است و کوچک ترین آنها دور کردن و برداشتن از راه مردم، آنچه آنها را رنج و آزار می‌دهد. و شرم و حیا نیز شاخه ای از ایمان است.

س ۳۵ - ارکان ایمان چند است؟

ج - ایمان شش رکن دارد: ایمان به خدا، و فرشتگان خدا، و کتاب های خدا، و پیامبران خدا، و روز قیامت، و قضا و قدر خیر و شر.

س ۳۶ - سومین مرتبه از مراتب دین اسلام چیست؟

ج - مرتبه سوم از مراتب اسلام، احسان و نیکی است که یک رکن دارد: این که خدا را چنان پرستش کنی، گویی او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی، یقین بدان که او تو را می‌بیند.

س ۳۷ - آیا مردم پس از حشر شدن بر اعمال و کردار خود در روز قیامت، پاداش یا کیفر خواهند دید؟

ج - بلی؛ چنان که خداوند می فرماید: لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى. [نجم ۳۱].

[که بدکاران را به کیفر می‌رساند، و نیکوکاران را پاداش نیکوتر عطا می‌کند].

س ۳۸ - حکم کسی که بعثت را تکذیب کند چیست؟

ج - او کافر است. خداوند می‌فرماید: زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ. [تغابن ۷].

[تفسیر آن در ص ۲۶ گذشت].

س ۳۹ - آیا امت و ملتی بوده که خداوند به سوی آنها پیامبری نفرستاده است تا خدای یکتا را عبادت کرده، از طاغوت دوری

جویند؟

ج - هیچ امت و ملتی نبوده مگر این که خداوند پیامبری را به سوی آن ها فرستاده؛ چنان که می‌فرماید: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ

رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ. [نحل ۳۶].

[و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا به خلق ابلاغ نماید که خدای یکتا را بپرستید و از بتها و طاغوت ها دوری کنید].

س ۴۰ - توحید چند نوع است؟

ج: توحید بر سه نوع تقسیم می‌شود:

۱ - توحید ربوبیت: توحیدی است که کفار قریش در زمان پیامبر □ به آن اقرار کردند. خداوند می‌فرماید: قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ. [یونس ۳۱].

[به مشرکان بگو: کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد، و کیست که به شما چشم و گوش عطا می‌کند، و کیست که از مرده، زنده، و از زنده، مرده برمی‌انگیزد، و کیست که فرمانش، عالم آفرینش را منظم می‌دارد تا مشرکان معترف شده و گویند: قادر بر این امور، تنها خدای یکتاست. پس به آن ها بگو: چرا خداترس نمی‌شوید؟].

۲ - توحید ألوهیت: اخلاص عبادت برای خدای یگانه؛ زیرا (إله) در کلام عرب کسی است که شایسته، سزاوار و مستحق پرستش است و می‌گفتند که الله، إله و معبود خدایان است. با این حال برای او، خدایان و معبودهای دیگری مانند صالحان، فرشتگان و غیر آن ها شریک می‌آوردند و می‌گفتند که خداوند به این راضی است و این معبودان نزد خدا برای ما شفاعت می‌طلبند.

۳ - توحید صفات: توحید ربوبیت و الوهیت صحیح نمی‌شود و امکان ندارد، مگر با اقرار کردن به توحید صفات. ولی کفار (قریش) از کسانی که صفات خداوند را انکار کرده اند، داناترند.

س ۴۱ - اگر خداوند به من امری کرد، چه چیز بر من واجب می‌شود؟

ج - هفت چیز واجب می‌گردد:

اول - علم، شناخت و معرفت به فرمان خداوند.

دوم - دوستی و محبت نسبت به آن عمل.

سوم - اراده انجام آن چیز.

چهارم - انجام آن عمل.

پنجم - این که آن عمل به طور صحیح انجام شود.

ششم - اجتناب و دوری از آن چه آن عمل را نابود کند.

هفتم - پایداری و استواری برآن عمل و کردار.

س ۴۲ - اگر انسان بداند که خداوند به توحید و یگانه پرستی امر کرده و از شرک نهی فرموده، آیا مراتب ذکر شده در بالا، شامل او

می‌شود؟ چگونه؟

ج - مرتبه اول - بیشتر مردم می‌دانند که توحید و یگانه پرستی، حق است، و شرک باطل. ولی از آن روی می‌گردانند و درباره آن چیزی نمی‌پرسند.

و می‌دانند که خداوند رباخواری را حرام کرده، با این حال، از طریق ربا خرید و فروش می‌کنند و در مورد آن سوال نمی‌کنند. و می‌دانند که خوردن مال یتیم حرام است، ولی اگر به معروف باشد جایز، با این حال بر مال یتیم چیره شده و درباره آن سؤالی نمی‌پرسند.

مرتبه دوم - محبت آن چه خداوند آن را نازل کرده، و کفر کسی که از آن کراهت دارد. چنان که بیشتر مردم رسول اکرم □ را دوست نداشتند بلکه به او، و به آن چه آورد، بغض ورزیدند؛ گرچه می‌دانستند که خداوند آن را نازل فرموده است. مرتبه سوم - اراده بر انجام کار، بیشتر مردم این را دانسته و دوست دارند، ولی بر آن چیز عزم و اراده نمی‌کنند، از ترس این که زندگی و ثروتشان تغییر یابد و از بین برود.

مرتبه چهارم - انجام کار. بیشتر مردم اگر هم عزم و اراده به انجام آن کار را کردند، به دلیل تعظیم اربابشان، انجام آن کار را ترک می‌کنند.

مرتبه پنجم - بیشتر مردم، کارها را از روی اخلاص انجام نمی‌دهند و اگر با اخلاص انجام دادند، به طور کامل و صحیح انجام نمی‌دهند.

مرتبه ششم - صالحان از نابودی عمل و کردارشان می‌ترسند.

خداوند عز وجل می‌فرماید: **أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ**. [حُجرات ۲].

و این از کمترین چیزها در زمان ماست.

[که اعمال نیک تان محو و باطل شود و شما درک نکنید].

مرتبه هفتم - استوار بودن بر حق و ترس از سرنوشت و پایان بد. و این بزرگ ترین چیزهاست که صالحان از آن می‌ترسند.

س ۴۳ - کفر چیست و انواع آن چند است؟

ج: کفر بر دو نوع تقسیم می‌شود:

الف - کفری که انسان را از دین و دایره اسلام خارج کند. و آن پنج نوع است:

۱ - کفر به تکذیب خدا و رسول خدا □.

خداوند می‌فرماید: **وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ**. [عنکبوت ۶۸].

[و کیست ستمکارتر از کسی که بر خداوند دروغ بگوید یا حق را چون به سوی او آید، دروغ انگارد؟ آیا جایگاه کافران در جهنم

نیست].

۲ - تکبر و عدم پذیرش، با توجه به علم و شناخت به آن. خداوند می‌فرماید: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ. [بقره ۳۴].

[و چون به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس (همه) سجده کردند مگر ابلیس که نپذیرفت و کبر ورزید و از کافران شد].
۳ - شرک ظن و تردید به ذات خداست.

خداوند می‌فرماید: وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا. وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا. قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا. [کهف ۳۵ - ۳۸].

[و در حالی که به خویشتن ستمکار بود به باغش درآمد. گفت: گمان نمی‌کنم که این (باغ) هیچگاه نابود شود. و گمان نمی‌کنم که قیامت بر پا شود، و اگر (هم) به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، بی‌گمان بازگشتنی بهتر از آنها خواهم یافت. همنشینش در حالی که با او گفتگو می‌کرد به او گفت: آیا به کسی کفر می‌ورزی که تو را از خاک، آنگاه از نطفه آفرید، سپس تو را انسانی (کامل) ساخت؟ ولی من (باور دارم) که او خداوند. پروردگار من است و کسی را با پروردگارم شریک نمی‌سازم].
۴ - روی گردانی از دین.

خداوند متعال می‌فرماید: وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُذِرُوا مُعْرِضُونَ. [احقاف ۳].

[و کافران از آنچه هشدار یافتند روی گردانند].

۵ - نفاق. خداوند عز و جل می‌فرماید: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ. [منافقون ۳].

[زیرا آن‌ها ایمان آوردند، سپس کافر شدند، خدا هم مهر بر دل هایشان نهاد، تا هیچ درک نکنند].

یعنی با زبان ایمان آوردند، ولی با دل کافر شدند.

ب - کفر اصغر که انسان را از دین اسلام خارج نمی‌کند و آن هم کفر نعمت می‌باشد.

خداوند سبحانه می‌فرماید: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْبِيَّةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ. [نحل ۱۱۲].

[خداوند (در باره) شهری مثالی بیان نمود که ایمن آسوده بود، روزی‌اش به فرای از هر جا می‌رسید، آنگاه (اهلش) به نعمتهای

خداوند ناسپاسی کردند، پس خداوند به (سزای) کار و کردارشان بلای فراگیر گرسنگی و ترس را به (اهل) آن چسانید].

و همچنین خداوند سبحانه می‌فرماید: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ. [ابراهیم ۳۴].

[با این همه لطف و رحمت خدا)، باز هم انسان سخت کُفرکیش و ستمگر است].

س ۴۴ - شرک چیست و بر چند نوع است؟

ج - بدان که توحید و یگانه پرستی، ضد شرک است و بر سه نوع تقسیم می‌شود:

۱ - شرک اکبر.

۲ - شرک اصغر.

۳ - شرک خفی و پنهانی.

۱ - شرک اکبر بر چهار نوع است:

الف - شرک دعا و طلب غیر از خدا؛ یعنی حل مشکلات و قضای حاجت‌ها را از غیر از خدا طلب کردن.

خداوند عز و جل می‌فرماید: فَإِذَا رَكَبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ. [عنکبوت ۶۵].

[این مردم مشرک موقعی که به کشتی نشستند (و باد شدید وزیدن گرفت، و موج‌های کوه‌پیکر کشتی را احاطه کردند، و تاریکی

شب و غرش باد و خروش موج، زندگی را بر سرنشینان کشتی، تلخ کرد) آن‌گاه است که به اخلاص، خدا را دعا کنند و عهد

می‌بندند که اگر خدا آنان را از خطر هلاکت نجات دهد، دیگر هیچ‌گاه گرد نافرمانی او نگردند. اما موقعی که (خدا که مهربان‌ترین

مهربانان است) آنان را نجات داد و پایشان به خشکی رسید، ناگهان تغییر می‌کنند و شرک ورزند].

ب - شرک در نیت، اراده و قصد.

خداوند متعال می‌فرماید: مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوفًا لِّإِيَّهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ

لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَخَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ. [هود ۱۵-۱۶].

[هرکس زندگانی دنیا و تجمل آن را خواسته باشد، (پاداش) کارهایشان را در آنجا برایشان به تمام و کمال می‌رسانیم و آنان در

آنجا کاستی نبینند. اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش (جهنم) ندارند و آنچه در آنجا (دنیا) کرده بودند، بر باد رفته و آنچه را

که انجام می‌دهند باطل است].

ج - شرک در طاعت.

خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید: اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا

إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ. [توبه ۳۱].

[احبار و رهبان‌شان را به جای خداوند، به خدایی گرفته‌اند. و (نیز) مسیح بن مریم (را به خدایی گرفته‌اند) حال آنکه

فرمان نیافته‌اند مگر آنکه معبود یگانه را بندگی کنند. معبود (حقی) جز او نیست. او از آنچه شرک می‌آورند (بس) پاک (ومنزّه)

است].

د - شرک دوستی و محبت.

خداوند می‌فرماید: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ

يُرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ. [بقره ۱۶۵].

[و از مردم کسانی هستند که (از کُند فهمی و کودنی) همتایانی برای خدا، غیر از خدا قرار داده اند، و آنان را مانند دوستی خدا، دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده اند، در دوستی خدا از آن‌ها قوی‌ترند، یعنی کافران آن همتایان دروغین را تعظیم کرده دوست می‌دارند و مردمی که به خدا ایمان صحیح آورده اند، در این حال محبتشان برای خدا بیشتر و تعظیمشان برای خدا بیشتر از تعظیمی است که نابخردان برای معبودان دروغین می‌کنند].

۲ - شرک اصغر که آن را ریا گویند.

خداوند عز و جل می‌فرماید: فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا. [کهف ۱۱۰].

[پس کسی که به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده‌ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد].

۳ - شرک خفی و پنهانی.

رسول اکرم □ می‌فرماید: ((الشرک فی هذه الأمة أخفی من دیبب النملة علی صفاة سوداء فی ظلمة الليل)). [تفسیر ابن کثیر ۵۷/۱ و غیره با سند حسن].

شرک در این امت، پنهان و مخفی‌تر است از راه رفتن مورچه‌های سیاه که بر تخته سنگ سیاهی در تاریکی شب به حرکت افتند.

س ۴۵ - فرق بین قدر و قضا چیست؟

ج - قدر در اصل مصدر قَدَرَ است و در تقدیر که شرح و بیان است به کار رفته، همچنین بر سرنوشت موجودات و کائنات قبل از وقوع آن سرنوشت، اطلاق شده است.

اما قضا حکم الهی است که در این جهان در جریان قدرها و آن چه در لوح محفوظ نوشته شده، در حق مخلوق واقع شود و در لغت به معنای شرح و بیان و امتیاز دادن و فرق گذاشتن است.

و قضا بر حکم قاضی شرع می‌آید؛ چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ. [نساء ۶۵].

[و آن گاه به هر حکمی که کنی هیچ گونه شک و اعتراضی در دل نیابند].

و بر پایان یافتن چیزی اطلاق می‌شود؛ چنان که خداوند می‌فرماید: فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ. [جمعه ۱۰]. [پس آن گاه که نماز پایان یافت].

و به معنای انجام دادن کاری می‌آید؛ چنان که خداوند می‌فرماید: فَأَقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ. [طه ۷۲].

[آن چه خواهی و توانی کرد، بکن].

و بر آگاه کردن و رسیدن خبر می‌آید؛ چنان که خداوند می‌فرماید: وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ. [إسراء ۴]. [و به بنی اسرائیل خبر

دادیم].

و بر مرگ اطلاق می شود؛ چنان که گفته می شود: فلانی قضی ؛ یعنی مُرد.

خداوند می فرماید: وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِيَ عَلَيْنَا رَبُّكَ. [زخرف ۷۷].

[ای مالک از خدای خود بخواه تا ما را بمی راند].

و بر وقوع عذاب اطلاق می شود.

خداوند می فرماید: وَقُضِيَ الْأَمْرُ. [هود ۴۴].

[و حکم الهی انجام یافت ؛ یعنی عذاب الهی واقع شد].

و بر رسیدن و تمکن یافتن بر چیزی اطلاق می شود. خداوند متعال می فرماید: وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ.

[طه ۱۴۴].

[ای رسول! پیش از آن که وحی قرآن تمام و کامل به تو برسد، در آن شتاب و عجله مکن].

و به معنای جدا کردن و حکم شدن می آید. خداوند می فرماید: وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ. [زمر ۶۹، ۷۵]. [و میان خلق حکم کنند].

[و میان اهل بهشت و دوزخ بحق حکم شود].

و به معنای آفرینش می آید. خداوند می فرماید: فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ. [فصلت ۱۲].

[آن گاه از خلق و آفرینش و نظم هفت آسمان فارغ شد].

و به معنای حتمی الوقوع. آن چه حتماً واقع خواهد شد.

خداوند می فرماید: وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا. [مریم ۲۱]. [و این حکم حتمی پروردگار توست].

و بر امر دینی گفته می شود؛ چنان که خداوند می فرماید: أَمْرًا أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ. [یوسف ۴۰].

[و به شما بندگان امر فرمود که جز آن ذات پاک یکتا، کسی دیگر را نپرستید].

و بر لازم و واجب شدن حکمی بین دو جدال کننده می آید.

و به معنای به جا آوردن و گزاردن می آید. خداوند می فرماید: فَإِذَا قُضِيَتْكُمْ مَنَاسِكُكُمْ. [بقره ۲۰۰]. [آن گاه که اعمال حج را به جا

آوردید].

و قضا در همه این ها مصدر است، امر به وجوب آمد و بر آن دلالت می کند، والاقتضاء: علم و معرفت به چگونگی نظم و هیات و

شکلی؛ چنان که گفته می شود: (لا أفضی منه العجب)، از تعجب تمام نمی شوم، الأصمعی گوید: باقی می ماند و فنا نمی شود.

س ۴۶ - آیا تقدیر و سرنوشت خیر و شر همه از طرف خداست یا خیر؟

ج - بلی، چنان که علی بن ابی طالب □ روایت می کند که: ((كُنَّا فِي جَنَازَةِ فِي بَقِيعِ الْعَرَقِدِ، فَأَتَانَا النَّبِيُّ □، فَقَعَدَ وَقَعَدْنَا حَوْلَهُ وَمَعَهُ

مَخْصَرَةٌ فَنَكَسَ، فَجَعَلَ يَنْكُتُ بِمَخْصَرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ، مَا مِنْ نَفْسٍ مَنْفُوسَةٌ، إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ مَكَانَهَا مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَالْإِ

قد کتبت شقیه او سعیده، فقال رجل: یا رسول الله! أفلا نتکل علی کتابنا وندع العمل؟ فمن کان من أهل السعادة فسیصیر إلی عمل أهل السعادة وأما من کان من أهل الشقاوة، فسیصیر إلی عمل أهل الشقاوة؟ قال: أما أهل السعادة فیسرون لعمل السعادة وأما أهل الشقاوة فیسرون لعمل الشقاوة، ثم قرأ: فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى. وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى. وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى. وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى. [اللیل ۵ - ۱۰]]. [متفق علیه]. واللفظ للبخاری.

از علی بن ابی طالب □ روایت است که گفت: ما در قبرستان بقیع الغرقد در تشییع جنازه ای بودیم، پیامبر □ آمد و نشست، ما هم اطراف او نشستیم، با خود چوبی (عصایی) داشت و اندوهگین بود، با آن عصا خط هایی بر زمین می کشید، سپس فرمود: هیچ کس و هیچ جانی که روح در آن است، نیست مگر این که جایش در بهشت و یا دوزخ مشخص شده است و نوشته شده است که او بدبخت و یا خوشبخت است، یکی از حاضران گفت: ای رسول خدا! آیا بر آن نوشته توکل و اعتماد نکنیم و کار و عمل را بگذاریم؟ هر یک از ما از اهل سعادت باشد، خود به خود به سوی عمل اهل سعادت سوق داده می شود و هر کس که از اهل شقاوت و بدبختی باشد، خود به خود به طرف عمل اهل شقاوت و بدبختان خواهد رفت، آن حضرت □ فرمود: اهل سعادت به سوی عمل اهل سعادت توجیه می شوند و اهل شقاوت به سوی اهل شقاوت توجیه می شوند سپس این آیه کریمه را تلاوت فرمودند: [اما هر کس عطا و احسان کرد و خداترس و پرهیزکار شد و به نیکویی تصدیق کرد، ما هم کار او را آسان می گردانیم، اما هر کس بخل ورزد و از جهل و غرور خود را از لطف خدا بی نیاز دانست و نیکویی را تکذیب نمود، پس به زودی کار او را دشوار می کنیم].

س ۴۷ - معنای (لا إله إلا الله) چیست؟

ج - یعنی: هیچ معبود و پروردگار به حقی مگر خدای یکتا نیست. خداوند سبحانه می فرماید: وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ. [إسراء ۲۳].

[و خدای توحکم فرمود که جز او هیچ کس را نپرستید].

أَلَّا تَعْبُدُوا بِر معنای هیچ معبود و إِلَّا إِيَّاهُ به معنای مگر خدای یکتا است.

س ۴۸ - چه توحیدی است که خداوند قبل از نماز و روزه، بر بندگانش فرض نمود؟

ج - توحید عبادت. پس غیر از خدای یگانه هیچ کس دیگر را نخوان، نه پیامبر □ و نه غیر از او.

خداوند می فرماید: وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا. [جن ۱۸].

[و مساجد مخصوص خداست. پس نباید با خدا احدی غیر از او را پرستش کرده و بخوانید].

س ۴۹ - کدام یک از این دو بهتر است:

الف - فقیری که بر فقر و تهیدستی خود صبر و شکیبایی کند.

ب - ثروتمندی که شکرگزار باشد.

و مقدار صبر و شکیبایی چه اندازه است؟

ج - اما مساله ثروتمند و فقیر صبرکننده و شکرگزار، هر دو از بهترین و افضل مؤمنان هستند و بهترین آن ها با تقواترین آنان هستند؛ چنان که خداوند می‌فرماید: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ**. [حجرات ۱۳].

[بزرگوارترین و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شما هستید].

اما مقدار صبر و شکر نزد علما و دانشمندان این مشهور است که: صبر، عدم بی‌تابی و ناله و زاری است و شکرگزاری، اطاعت از خدا به وسیله سپاس بر نعمتهای اوست.

س ۵۰ - مرا به چه چیزی توصیه می‌کنی؟

ج - تو را به آگاه بودن از توحید و یکتاپرستی و مطالعه کتاب های توحید سفارش می‌کنم؛ زیرا حقیقت خدا پرستی - که پیامبران را برای آن فرستاده شده اند - برایت روشن می‌شود و حقیقت شرک - که خدا و رسول خدا □ آن را حرام دانسته و از آن خبر داده اند و این که گناهان مشرک بخشوده نمی‌شود و بهشت بر مشرک حرام است و کسی که مشرک باشد، اعمال و کردار او باطل و محو خواهد شد - برایت آشکار می‌گردد و نیز اهمیت یکتاپرستی - که خداوند پیامبر □ را برای آن فرستاده و با پیروی از رسول، مسلمان و از شرک و مشرکان دور خواهی بود - برایت مشخص می‌شود.

کلامی برایم بنویس که خداوند مرا نفع و بهره برساند:

اولین چیزی که تو را به آن نصیحت می‌کنم توجه کردن و روی آوردن به آن چه محمد □ از نزد خداوند تبارک و تعالی آورده است، می‌باشد؛ زیرا آن چه مردم به آن احتیاج دارند، از طرف خداوند آورده است و هیچ چیزی نبوده و نخواهد بود که آن ها را به خداوند و بهشت نزدیک کند مگر این که به آن امر کرده است، و هیچ چیزی نبود که آن ها را از خداوند دور و به دوزخ نزدیک نماید، مگر این که از آن برحذر داشته است.

پس خداوند تا روز قیامت حجت را بر خلق تمام کرده و برای هیچ کس حجت و برهانی بعد از بعثت محمد □ نیست.

خداوند در باره پیامبر □ و پیامبران دیگر علیهم السلام می‌فرماید: **إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَأَتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا . وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا . رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا**. [نساء ۱۶۳ - ۱۶۵].

[ما چنانکه به نوح و پس از او بر پیامبران وحی کردیم و (چنانکه) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان (او) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم به تو (نیز) وحی کردیم و به داود زبور دادیم. و رسولانی (فرستادیم) که پیش از این

داستان آنان را بر تو باز گفتیم و رسولانی که حکایت آنان را بر تو باز نگفته ایم. و خداوند (بی‌میانجی) با موسی سخن گفت.

رسولانی مژده آور و بیم کننده تا برای مردم پس از (ارسال) رسولان بر خداوند حجتی (در میان) نباشد و خداوند پیروزمند فرزانه است.]

پس بزرگترین چیزی که از نزد خداوند آورده و اولین چیزی که مردم را به آن امر فرموده عبادت خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد عبادتی که فقط و فقط برای اوست؛ چنان که خداوند عز وجل می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ . قُمْ فَأَنْذِرْ . وَرَبِّكَ فَكَبْرُ : [مدثر ۱ - ۳].

[ای رسولی که خود را به لباس درپيچیده ای! برخیز و مردم را پند و اندرز ده و آگاه نما و از خدا بترسان. و پروردگارت را به کبریا و بزرگی و عظمت یاد کن.]

وَرَبِّكَ فَكَبْرُ یعنی، خدا را بزرگ بدان و او را با اخلاص در دین عبادت کن که او هیچ شریکی ندارد. و این، قبل از این که به نماز و زکات و روزه و حج و غیر این‌ها از شعایر اسلام امر شود، می‌باشد.

وَقُمْ فَأَنْذِرْ یعنی، از شرک در عبادت خدای یگانه دوری کن. و این، قبل از این که از زنا و دزدی و رباخواری و ظلم و ستم به مردم و غیر این‌ها از گناهان کبیره نهی شود، می‌باشد.

و این قاعده از بزرگ‌ترین قواعد دین و واجب‌ترین آن‌هاست و خداوند مخلوقات را برای همین آفریده است؛ چنان که می‌فرماید: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ . [ذاریات ۵۶].

و به همین سبب، خداوند پیامبران را فرستاده و کتابهای آسمانی را نازل فرموده است؛ چنان که می‌فرماید: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ . [نحل ۳۶].

و به همین علت، مردم بین مسلمان و کافر جدایی و فرق گذاشته اند، پس هرکس خدا را روز قیامت با توحید و بدون هیچ گونه شرکی ملاقات نماید، وارد بهشت می‌شود و هرکس که با شرک، خدا را دیدار کند، به دوزخ خواهد رفت، حتی اگر از عابدترین و زاهدترین مردم باشد و این همان معنای (لا إله إلا الله) است؛ زیرا فقط از (إله) است که امید و آرزو و خیر و دفع شر خواسته می‌شود و فقط از او ترسیده می‌شود و فقط بر او توکل می‌شود. و صلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.